آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۴۶۹
چهارشنبه
۱۴۰۵•۰۶•۱۸
۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ / ۰۹ سپتامبر ۲۰۲۶

ذره بین

«آرمان ملی» از خیابان‌های شمال کشور گزارش می‌دهد

انسداد خیابان‌ها با آب!

آرمان ملی- عماد موحد: هر ساله با پایان فصل برداشت برنج، باران‌های آخر تابستان در استان‌های گیلان، مازندران و گلستان طراوت خاصی به این منطقه سرسبز می‌دهد. مردم این منطقه چنان پیوند عمیقی با باران دارند که گویی خستگی کاشت، حفاظت و برداشت برنج را با باران از تن بیرون می‌کنند. اما در سال‌های اخیر بارش باران در روزهای آخر تابستان اغلب مردم را دچار مشکل می‌کند. به دلیل ارتفاع اندک اغلب شهرهای این استان‌ها با تراز دریا، خارج شدن آب‌های سطحی به آسانی صورت نمی‌گیرد و جمع شدن آب در خیابان‌ها رفت‌وآمد شهروندان را مشکل می‌کند. در سال‌های اخیر تعداد خودروها زیادتر شده اما تغییری در خیابان‌های بخش مرکزی ایجاد نشده و خیابان‌های مرکزی بیشتر شهرهای شمالی و بخصوص رشت توان جابجایی آرام این حجم از ترافیک را ندارد. به بیان دیگر هر باران آرامی هم به سرعت خیابان‌های رشت را قفل می‌کند تا چه رسد به باران‌های سیل‌آسای شمالی و آب‌گرفتی معابر و خیابان‌ها.

صبحدم در شهر بارانی

بارش شدید و رگباری باران در ساعات پایانی دوشنبه‌شب و بامداد سه‌شنبه، همان تصویری آشنا از رشت را پیش چشم شهروندان قرار داد. آب به سرعت در خیابان‌ها جمع شد، اگرچه تخلیه آب جریان داشت اما حجم بارش بیشتر از سرعت تخلیه آب بود... آب جمع شد و تردد خودروها را مختل کرد. آب در خیابان‌ها بالا آمد، بالا آمد و به کوچه راه یافت... در کوچه‌ها پیش‌روی کرد، در جاهایی وارد واحدهای مسکونی و پارکینگ‌ها شد. آب از فرصت استفاده کرد و مناطق پایین‌تر از سطح را تصرف کرد. البته با فروکش کردن بارندگی و فعالیت نیروهای امدادی و خدمات شهری، بخش عمده آبگرفتگی‌ها تا بامداد برطرف شد. بعد از آن مسئولان شهری اعلام کردند که تردد در معابر شهر به حالت عادی بازگشته است. شدت بارندگی نیز قابل توجه بود. بر اساس آمار اعلام‌شده تا ساعت ۶:۳۰ صبح سه‌شنبه، در ایستگاه کشاورزی رشت ۸۲ میلی‌متر، فرودگاه رشت ۷۹ میلی‌متر، ایستگاه استانداری ۷۰ میلی‌متر و ایستگاه توتون ۶۸ میلی‌متر بارش ثبت شده است. در برخی نقاط دیگر گیلان نیز میزان بارندگی به مراتب بیشتر بوده و در املش به ۱۴۴ میلی‌متر رسید. با چنین میزان بارشی، آبگرفتگی در برخی نقاط قابل انتظار است؛ اما آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، تکرار این وضعیت در شهر رشت است. گزارش‌های محلی از آبگرفتگی بخش‌هایی از خیابان‌های جوان، منظریه، باقرآباد و معلم خبر داده‌اند و در گزارش‌های دیگر نیز از شهرک شهید بهشتی، بلوار و میدان امام حسین به عنوان نقاطی که با آبگرفتگی شدید مواجه شده‌اند نام برده شده است. همچنین آبگرفتگی مقطعی در بلوار دیلمان، خیابان و بلوار مدرس و میدان توشیبا گزارش شده است.

پس از باران!

کاملا روشن است که نباید همه این مشکلات را به ضعف مدیریت شهری نسبت داد. بارش رگباری و شدید در مدت کوتاه می‌تواند حتی سامانه‌های مناسب دفع آب‌های سطحی را نیز تحت فشار قرار دهد. از همین رو، شهرداری رشت پیش از آغاز بارندگی به حالت آماده‌باش درآمده بود و بر پایش نقاط حساس و مستعد آبگرفتگی تأکید شده بود. در عین حال اهالی شهر رشت با وجود همه آشنایی‌ها با باران، گاهی به واسطه آب گرفتگی معابر از رسیدن به کارهایشان می‌مانند و در گوش هم به پچپچه می‌پرسند که مگر نباید برای بارش‌های شدید آماده بود؟ چرا هر سال، بعد از آب‌گرفتگی به فکر باز کردن مسیرها می‌افتند؟ شکی نیست که نیروهای شهرداری باید بعد از فروکش کردن باران، راهی برای تخلیه آب از سطح خیابان پیدا کنند و این اقدام در آن وضعیت، ضروری‌ترین کاری است که باید انجام شود اما اگر بدانیم که شهر رشت در تخلیه آب‌های سطح بعد از باران تنگناهایی دارد، حتما باید قبل از اینکه آب خیابان‌های شهر را تصرف کند، راهی برای تخلیه سریع آب‌های سطحی پیدا کرد و اولین کار این است که نقاط بحرانی شناسایی شود، مسیرهای انتقال آب پاکسازی و ظرفیت شبکه دفع آب‌های سطحی افزایش داده شود.

واقعیت اقلیمی

از سوی دیگر، گزارش‌ها نشان می‌دهد که تا صبح سه‌شنبه مشکل تردد در معابر اصلی رفع شده و مسئولان وضعیت شهر را عادی اعلام کرده‌اند. بنابراین نمی‌توان گفت رشت اکنون با بحران گسترده و ادامه‌دار مواجه است. مسئله بیشتر این است که یک بارندگی سنگین، برای چند ساعت بخش‌هایی از شهر را با اختلال جدی روبه‌رو کرده است. این اتفاق باید بیش از آنکه صرفاً یک خبر هواشناسی تلقی شود، یک هشدار برای مدیریت شهری باشد. بارش‌های شدید ممکن است تکرار شوند و شهری مانند رشت باید خود را برای شرایطی آماده کند که در آن باران نه یک اتفاق استثنایی، بلکه بخشی از واقعیت اقلیمی و طبیعی شهر است. رشت پس از بارندگی اخیر دوباره به وضعیت عادی بازگشته است؛ اما سؤال مهم‌تر این است که آیا برای باران بعدی نیز باید منتظر فروکش کردن آب و باز شدن خیابان‌ها بمانیم، یا می‌توان کاری کرد که بخش قابل توجهی از این آبگرفتگی‌ها رخ ندهد؟

آرمان ملی گزارش می‌دهد

دلایل سه‌گانه برای رفع فیلترینگ

محمدرضا عارف: فیلترینگ اشراف امنیتی ما را از بین می‌برد

آرمان ملی- حمید شجاعی: امروزه اینترنت یکی از ضروری‌ترین ابزارهایی است که مورد استفاده جامعه قرار گرفته و در سبد هزینه‌های خانوار بخش مهمی را به خود اختصاص داده و هر کاربر بسته به نیاز خود از آن استفاده می‌کند و تحصیلات، شغل، درآمد و... در آن نقشی ندارد. از این رو عدم دسترسی به این فضا تاثیر مخرب خود را به واسطه تحمیل هزینه گزاف بر جامعه گذاشته و در سوی دیگر حاکمیت و دولت را در معرض وجوه امنیتی و مسائل مربوط به اقتصاد خرد و کلان می‌گذارد. با توجه به پیشرفت چشمگیر و سریع تکنولوژی شبکه‌های اجتماعی با کارکردهای گسترده و نامحدود، توانسته‌اند جایگاه خود را در زندگی و کسب و کار جامعه تثبیت کنند و به بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی مردم تبدیل شوند. از طرفی این شبکه‌ها توانسته‌اند در رقابت با رسانه‌های سنتی نگاه جامعه را به رسانه تغییر دهند و حالا جامعه می‌تواند از مسیرهای متعدد و گوناگون اخبار و اطلاعات مورد نیاز خود را جست‌وجو کنند. درباره اهمیت این فضا باید یادآوری کرد که امروز تقریبا همه رسانه‌های سنتی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی حضور دارند. در شرایط عادی این انتظار از مسئولان و دست‌اندرکاران این حوزه وجود دارد که شرایط را برای تسهیل هرچه بیشتر دسترسی مردم فراهم کنند، اما مشکل زمانی رخ می‌دهد که بدانیم جریاناتی هستند که با این دسترسی و آزادی عملکرد مردم در شبکه‌های اجتماعی مخالف هستند. هر چند که علل مختلفی را نیز برای این مخالفت مطرح می‌کنند؛ اما اگر در اصل قضیه ورود کنیم خواهیم دید آنچه در قالب دلیل گفته می‌شود، چندان به استدلال دقیق و موجه نزدیک نیست. برخی حتی پا را فراتر گذاشته و دلایل مطرح شده برای اعمال محدودیت را بهانه‌تراشی می‌دانند. این در حالی است که بسیاری از کارشناسان و صاحب نظران مضرات فیلترینگ را برشمرده‌اند. تردید نیست که مسائلی چون زیان اقتصادی، مضرات فرهنگی و حتی مشکلات امنیتی از مضراتی هستند که با رواج فیلترینگ به کشور وارد آمده و می‌آید. حال اینکه برخی گویی با علم به اینکه فیترینگ و رواج فیلترشکن‌ها و VPN‌ها چه میزان خسارت به کشور و جامعه وارد می‌آورد باز هم از این شرایط دفاع می‌کنند و حتی در گامی جلوتر، خواهان گسترش فیلترینگ هستند. رویکردی که یک احتمال را در ذهن برجسته می‌کند، اینکه منافع افراد و جریاناتی در فیلترینگ است و از این طریق کسب درآمد می‌کنند و اگر این بساط جمع شود کسب و کار آنها به خطر می‌افتد، لذا بی‌توجه به خواست ملت و منافع کشور مجدانه و مصرانه به مخالفت خود ادامه می‌دهند.

سه‌گانه الزام رفع فیلترینگ

مسعود پزشکیان در قامت رئیس جمهور با شعارهای زیادی روی کار آمد و یکی از آنها که بارها نیز بر روی آن تاکید داشته مساله رفع فیلترینگ بوده است. تاکنون نیز بارها و بارها رئیس جمهور بر لزوم حل و فصل این مهم تاکید داشته است. چه اینکه پزشکیان بهمن ماه سال گذشته نیز با اشاره به مضرات فیلترینگ گفته بود: «گردش مالی قابل توجهی در حوزه فروش وی‌پی‌ان شکل گرفته که ارقام آن قابل تأمل است سالانه ۳۰ همت. این نشان می‌دهد که مسئله را نمی‌توان صرفاً با اعمال محدودیت‌های ظاهری حل کرد؛ بلکه باید با نگاه واقع‌بینانه و اصلاحی به آن پرداخت». از سوی دیگر معاون اول رئیس جمهور نیز در سفری که به قم داشت در دیدار با اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به این موضوع اشاره و رسما اعتراف کرد که فیلترینگ موجبات خسارات بسیاری برای کشور شده است. محمدرضا عارف گفت: «در حال حاضر فیلترشکن‌ها اشراف امنیتی ما را از بین برده‌اند، در حالی که باید بتوانیم حاکمیت بر فضای مجازی را به دست آورده و آن را مدیریت کنیم. فیلتر کردن، اشراف امنیتی ما را از بین می‌برد و در جنگ‌های اخیر نیز از این مسئله ضربه خورده‌ایم». بر این مسائل نارضایتی جامعه از فیلترینگ و پرداخت هزینه‌های بالا برای خرید فیلترشکن را نیز اضافه کنیم مثلث چرایی لزوم رفع فیلترینگ مشخص می‌شود. حال با این گزاره‌ها از رئیس جمهور و معاونش در اشاره به خسارت‌های هنگفت مالی و امنیتی فیلترینگ و نارضایتی مردم اکنون پرسش این است که چرا همچنان در بر پاشنه سابق می‌چرخد و مسئولان با وجود دانستن چنین مسائل و اطلاعاتی همچنان تلاشی در جهت رفع فیلترینگ انجام نمی‌دهند؟ اینکه صرفا به جامعه گفته شود فیلترینگ چه زیان‌ها و مضراتی دارد چیزی را درست نمی‌کند و رسانه‌ها و صاحب نظران این حوزه نیز می‌توانند به خوبی این مسائل را بیان کنند. دولت به عنوان دستگاه اجرایی کشور باید درصدد حل مساله برآید و رفع فیلترینگ را که وعده خود رئیس جمهور بوده را نه بر مبنای شعاری مردم‌پسند که بر مبنای نیاز روز جامعه و جلوگیری از خسارت روزافزون بر کشور پی‌گیری کرده و به انجام رسانند.

منطق مخالفان

هر چقدر دولت، کارشناسان و جامعه به لزوم رفع فیلترینگ تاکید دارند کاسبان فیلترینگ نیز به عدم رفع فیلترینگ اصرار می‌ورزند و با کلیدواژه «امنیت» اقدام خود را توجیه می‌کنند. اما حداقل اظهارات اخیر عارف نشان می‌دهد که اتفاقا ماجرا برعکس است و چیزی که در تصور آنها موجب تقویت امنیت می‌شود، باعث ناامنی گسترده در کشور شده و به گفته عارف، اشراف امنیتی را از بین برده است. پرسش صریح این است که چرا مخالفان این سخن ساده و در عین حال منطقی معاون اول رئیس جمهور را نمی‌فهمد و چرا فهم آن برایشان دشوار است؟ چنین است که آن احتمال مربوط به برخورداری از مواهب فیلترینگ برجسته می‌شود. منفعت چشمگیری که جلوپذیرش واقعیت را می‌گیرد. اگر چنین نیست و اگر واقعا دنبال منافع ملی هستند، برای امنیت کشور و جلوگیری از خسارت‌های اقتصادی هم که شده باید از مخالفت با رفع فیلترینگ دست می‌کشیدند و اگر اینگونه بود باوجود تاکید مکرر دولت بر لزوم تجدید نظر در مصوبات پیشین، خروجی جلسات شورای عالی فضای مجازی می‌توانست تغییر ملموسی در زندگی و کار شهروندان ایجاد کند و پلتفرم‌های کلیدی همچنان مسدود نمی‌ماند. به نظر می‌رسد اظهارات اخیر عارف بیش از آنکه یک نقشه راه عملیاتی برای باز کردن اینترنت و رفع محدودیت شبکه‌های اجتماعی باشد، تلاشی است برای توجیه جناح‌های سنتی و امنیتی تا آنها را قانع کند که روش‌های کنونی انسداد کارکرد خود را از دست داده است.

«آرمان ملی» با توجه به پیشنهاد حمله به زیرساخت‌های منطقه بررسی می‌کند

هزینه‌های سنگینِ یقین‌های ارزان

آرمان ملی- مرتضی خبازیان: این روزها فضای سیاسی کشور به دو بخش مهم تقسیم شده است و با توجه به تبلور ساحت سیاسی در اجتماع، همان دو بخش را در جامعه هم می‌توان مشاهده کرد. یک بخش برای عبور از تنگنای فعلی معتقد است که باید نسبت به چند کشور منطقه که شرکای آمریکا محسوب می‌شوند، سخت‌گیری و با این کار آمریکا را وادار به عقب‌نشینی کرد و بخشی که بین کلیت کشورهای منطقه و آمریکا تفاوت قائل است. البته هر دو گروه در دوره جنگ با آمریکا و رژیم صهیونیستی بر شدت عمل و کوبیدن پایگاه‌های آمریکایی که در این کشورها قرار دارند، اتفاق نظر داشتند و می‌توان گفت همان اتفاق نظر موجب شد که ایران سریع‌تر به اهداف خود برسد. از دوره بعد از آتش‌بس و تغییر راهبرد آمریکا درباره ادامه سیاست فشار حداکثری، خط تمایز بین دو بخش گفته شده، پررنگ‌تر شد. تردیدی وجود ندارد که غیر از مسئولان، کسی از محاسبات نهادهای امنیتی و نظامی باخبر نیست و نمی‌توان حکم کلی صادر کرد. در عین حال می‌توان دیدگاه کسانی را نقد کرد که در دوایر تصمیم‌گیری حرف آنها شنیده شده و ای بسا که موثر هم واقع شود.

هزینه خطای محاسباتی

کسانی که موضع‌گیری سیاسی افراد و جریان‌های سیاسی را دنبال می‌کنند و تقریبا همه کسانی که برنامه‌های تحلیلی صداوسیما را پیگیری می‌کنند، با چند نام و چهره سیاسی آشنا هستند که فوأد ایزدی یکی از آنها به شمار می‌آید. فواد ایزدی سعی کرده که دیدگاه‌های خود را بدون لکنت ابراز کند و در موضع‌گیری‌هایش می‌توان خط ثابتی را دنبال کرد. ایزدی هم مانند هر فعال و تحلیلگر سیاسی دیدگاه‌های خود را با زبانی صریح بیان می‌کند. صراحت در بیان و پاسخ‌های ساده و کوتاه، الزاما پیچیدگی‌های سیاسی را ساده نمی‌کند. هر تحلیلگری حق دارد دیدگاه‌ها و تحلیل خود را ابراز کند و خیلی طبیعی است اگر کسی در تحلیل خود خطا کند. در واقع خطرناک‌ترین بخش یک تحلیل اشتباه، اشتباه بودن آن نیست بلکه قطعیتی است که به آن داده می‌شود. تحلیلگر ممکن است درباره آینده خطا کند و این خطا به عنوان بخشی از ذات تحلیل سیاسی مورد پذیرش است. یک فرضیه احتمالی ممکن است چنان با اطمینان بیان شود که ذهن شنونده از توجه به پیچیدگی نهفته در آن دور شود و جایی ماجرا خطرناک می‌شود که گوینده به هر دلیلی به محدوده‌ها و دوایر تصمیم‌گیری راه یافته یا حرفش مسموع باشد. در این صورت ممکن است که تحلیل خطا در ذهن تصمیم‌گیرنده به یک واقعیت مسلم تبدیل شود و در آن صورت دیگر با خطای تحلیل مواجه نیستیم بلکه با هزینه خطای محاسباتی مواجه خواهیم شد.

زمستان سخت اروپا

در سیاست ایران مواردی را می‌توان مثال زد که یک خطای تحلیلی به سطح تصمیم‌گیری رسیده و اثر خود را گذاشته است. «زمستان سخت اروپا» یکی از روشن‌ترین نمونه‌هایی است که حتی نمی‌توانیم هزینه ناشی از آن را محاسبه کنیم. در مقطعی که مذاکرات احیای برجام در دولت سیزدهم با پیگیری و تلاش وزیر وقت امور خارجه، مسئول مذاکره کننده و رئیس جمهور شهید به مراحل حساس رسیده بود، ناگهان در فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور این استدلال با صدای بلند مطرح شد که اروپا در آستانه بحران شدید انرژی قرار گرفته و با رسیدن زمستان، فشار اقتصادی و اجتماعی بر کشورهای اروپایی چنان افزایش خواهد یافت که ناچار می‌شوند برای رسیدن به توافق هسته‌ای امتیازهای بیشتری به ایران بدهند. بعد از چند سال که از آن ماجرا می‌گذرد حالا عموم مردم محمد مرندی را با زمستان سخت به یاد می‌آورند. البته اصل بحران انرژی اروپا واقعی بود، خطا از جایی آغاز شد که از یک واقعیت، یک نتیجه سیاسی قطعی استخراج شد مبنی بر اینکه اروپا دچار بحران می‌شود، پس ناچار است عقب‌نشینی کند. آن روزها احتمالا صدای مخالفان این ایده شنیده نمی‌شد وگرنه روشن است که بین این دو گزاره فاصله بزرگی وجود داشته است. آیا این قابلیت در وزارت امور خارجه نبود که بتواند از زاویه دیگری به موضوع نگاه کند؟ بحران می‌توانست رخ دهد و اروپا راه دیگری برای مدیریت آن پیدا کند، می‌توانست هزینه بحران را بپردازد اما مواضع سیاسی خود را تغییر ندهد، می‌توانست منابع انرژی خود را متنوع کند، می‌توانست از LNG استفاده کند، ذخایر خود را افزایش دهد و حتی هزینه اقتصادی بیشتری بپردازد تا در موقعیت سیاسی مورد انتظار تهران قرار نگیرد. واقعیت هم در نهایت پیچیده‌تر از آن چیزی شد که در آن روایت قطعی پیش‌بینی می‌شد. شاید کسانی که یک‌تنه در مقابل احیای برجام ایستادند و نگذاشتند چنین اتفاقی بیفتد، چنان قدرتی داشتند که می‌توانستند بر منطق غلبه کنند. حالا مسئله این نیست که آن پیش‌بینی درست از آب درآمد یا نه، مسئله مهم‌تر این است که وقتی یک پیش‌بینی با چنین درجه‌ای از اطمینان وارد فضای تصمیم‌سازی می‌شود، چه کسی مسئول هزینه خطای آن است؟ این پرسش امروز اهمیت بیشتری پیدا کرده، زیرا دوباره با گزاره‌هایی مواجهیم که یک زنجیره پیچیده از روابط بین‌الملل را به یک رابطه علت و معلولی ساده تبدیل می‌کنند.

منفی‌بافی یا واقع‌نگری

برای مثال گفته می‌شود اگر زیرساخت‌های حیاتی کشورهای منطقه هدف قرار بگیرد، آمریکا تحت فشار قرار خواهد گرفت و ناچار به عقب‌نشینی خواهد شد. حتی فراتر از آن، گفته می‌شود چین نیز از چنین اقدامی خوشحال خواهد شد؛ زیرا رقبای منطقه‌ای آمریکا تضعیف می‌شوند. سوال روشن این است که چرا باید این زنجیره را قطعی فرض کرد؟ چرا باید فرض کنیم آمریکا در برابر چنین فشاری عقب‌نشینی می‌کند و نه اینکه دامنه حضور و ائتلاف‌های خود را در منطقه افزایش دهد؟ چرا باید فرض کنیم کشورهای عربی در برابر چنین تهدیدی از آمریکا فاصله می‌گیرند و نه اینکه بیش از گذشته به سمت ایجاد ترتیبات امنیتی مشترک حرکت کنند؟ و از همه مهم‌تر، چرا باید فرض کنیم چین و روسیه هر اقدامی را که به آمریکا یا متحدانش ضربه بزند، به‌طور خودکار در راستای منافع خود تلقی می‌کنند؟ این پرسش‌ها منفی‌بافی نیستند، اینها حداقل پرسش‌هایی هستند که پیش از یک تصمیم پرهزینه باید پاسخ داده شوند و مشکل از جایی آغاز می‌شود که چنین پرسش‌هایی به جای آنکه در مرحله تصمیم‌سازی مطرح شوند، به‌عنوان تردید، ترس یا حتی ضعف تحلیل تلقی شوند. کسانی که چنین نگاهی دارند، خوب است توجه کنند که رقیب آمریکا بودن، متحد ایران بودن و مخالف عربستان بودن، سه گزاره یکسان نیستند. چین ممکن است با آمریکا رقابت راهبردی داشته باشد، اما همزمان به ثبات بازار انرژی، امنیت مسیرهای تجاری و استمرار صادرات نفت و گاز منطقه نیز نیاز دارد. روسیه ممکن است از تضعیف موقعیت آمریکا استقبال کند، اما این به معنای آن نیست که از هر اقدامی که ثبات بازار انرژی یا امنیت منطقه را برهم بزند، استقبال خواهد کرد. حالا دیگر این جمله به ضرب‌المثل تبدیل شده که در سیاست بین‌الملل، کشورها دوست و دشمن دائمی ندارند بلکه منافع دائمی دارند و اینکه چین در رقابت با آمریکا قرار دارد، به معنای آن نیست که در هر بحران منطقه‌ای همان انتخابی را خواهد کرد که مطلوب ماست.

یک سوال سخت

آیا نمی‌توانیم از تجربه زمستان سخت یک درس نهادی بگیریم و نه صرفاً یک درس سیاسی؟ این را می‌دانیم که حتی بهترین کارشناسان ممکن است اشتباه کنند. بنابراین مسئله این نیست که دنبال تحلیلگرانی باشیم که هرگز اشتباه نمی‌کنند. مسئله این است که چگونه مانع شویم خطای یک تحلیلگر به خطای پرهزینه برای کشور تبدیل شود. راه حل این است که هر تحلیل پرهزینه باید در کنار سناریوی اصلی، سناریوی شکست را هم ارائه دهد. اگر گفته می‌شود آمریکا عقب‌نشینی خواهد کرد، باید مشخص شود در چه شرایطی این پیش‌بینی غلط تلقی خواهد شد. اگر گفته می‌شود چین از یک اقدام خاص استقبال می‌کند، باید پرسید چه شواهدی می‌تواند خلاف این فرض را ثابت کند. و سوال سخت تصمیم‌گیرنده این است: اگر اشتباه کرده باشیم، چه چیزی را از دست خواهیم داد؟

گزارش

سخنگوی قوه قضائیه:

محمدباقر خرازی بازداشت شده است

آرمان ملی: سخنگوی قوه قضائیه در نخستین نشست خبری با اشاره به اقدامات دستگاه قضایی در برخورد با افراد خائن و وطن‌فروش در جریان جنگ و پس از آتش‌بس گفت: قوه قضائیه از همان ابتدا به‌صورت قاطعانه و جدی وارد این موضوع شد و در خصوص افرادی که به کشور خیانت کرده‌اند، پرونده‌های قضایی تشکیل داد. علی کاظمی درباره میزان اموال توقیف‌شده افراد خائن و محل مصرف این اموال، اظهار کرد: در این خصوص پرونده‌های متعددی تشکیل شده و در برخی پرونده‌ها کیفرخواست صادر شده، حکم صادر شده و پرونده‌ها به نتیجه رسیده است. اموالی نیز توقیف شده، تضمین‌هایی اخذ شده و اقدامات دیگری نیز صورت گرفته است. وی افزود: در کنار این موارد، برخی پرونده‌ها همچنان در حال رسیدگی است و پرونده‌های جدیدی نیز در حال تشکیل شدن هستند. سخنگوی قوه قضائیه تصریح کرد: برخی افراد مراجعه می‌کنند و دلایلی ارائه می‌دهند که از نظر قضات قابل قبول است؛ از جمله اینکه سوءنیتی نداشته‌اند یا اقداماتی با درجات خفیف‌تر انجام داده‌اند و در حد هواداری یا حمایت‌های حداقلی مرتکب اقداماتی شده‌اند. کاظمی درباره آخرین وضعیت پرونده محمدباقر خرازی بیان کرد: فرد مورد اشاره تحت قرار بازداشت است و پرونده در دادسرای ویژه روحانیت در حال رسیدگی است. پرونده خرازی در مرحله تحقیقات مقدماتی است و هنوز منجر به صدور کیفرخواست و صدور حکم نشده است. سخنگوی قوه قضاییه درباره طرح مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها در مجلس و نظر دستگاه قضایی درباره این طرح اظهار کرد: مسأله نفوذ یکی از مسائلی است که کشور ما با آن مواجه است و با استقلال حاکمیت، امنیت ملی و منافع ملی ما سروکار دارد. وی ادامه داد: اکنون شاید از روش‌ها و اشکال کلاسیک جاسوسی به معنای قدیمی استفاده نشود و یا اگر از آنها هم استفاده شود در کنارش در حجم زیادی از روش‌های نفوذ استفاده شود؛ موضوعی که هشدارهای لازم در این خصوص توسط رهبر شهید انقلاب داده شده بود. سخنگوی قوه قضاییه تصریح کرد: در طرح یادشده از ماده ۱۲ به بعد مباحث جزایی مطرح است و این موارد مرتبط با قوه قضاییه است و طبیعتاً باید قوه قضاییه اعمال شود و در این خصوص هفته گذشته معاون حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه نامه‌ای را خطاب به رئیس مجلس صادر کردند و از ایشان خواستند با توجه به اینکه قوه قضائیه در جریان این طرح نبوده و ضروری است که حتماً در خصوص این قانون باید اظهار نظر کنیم و حتماً در مجلس مطرح شود و موضوع به نحوی مطرح شود که نظرات قوه قضائیه هم اعمال شود. وی تأکید کرد: آن چه مسلم است قانون‌گذاری در این حوزه بسیار حساس است و صرفاً به شرایط کنونی نباید نگاه کنیم زیرا قانونگذاری یک امر دائمی و هنر سخن گفتن با آینده است و باید برای شرایط آینده هم مهیا باشیم و باید به گونه‌ای قانونگذاری شود که دقیق، محکم، متین و مطمئن باشد.

مخلان انسجام ملی

کاظمی درباره اقدامات دستگاه قضایی برای حفظ وحدت و انسجام ملی، اظهار کرد: در هر کشور و جامعه‌ای طبیعتاً نظرات و دیدگاه‌های مختلف و اختلاف نظرهایی وجود دارد. در جامعه ما نیز برخی اختلاف نظرها و شکاف‌های نظری میان افراد اهل فهم وجود دارد، اما برخی اظهارنظرها می‌تواند زمینه سوءاستفاده را فراهم کند. وی افزود: رهبر معظم انقلاب با اشراف بر این موضوع، بیانات صریح و محکمی را در خصوص صیانت از وحدت و انسجام ملی مطرح کرده‌اند و این فرمایش برای ما یک تکلیف شرعی است که آن را پیگیری کنیم و جلوی مخلان، آتش‌بیاران و تفرقه‌افکنان در حوزه وحدت و انسجام را بگیریم. وی با بیان اینکه مسئولیت حفظ انسجام ملی تنها متوجه دستگاه قضایی نیست، گفت: مخاطب این تکلیف صرفاً قوه قضائیه نیست، بلکه تمام آحاد جامعه و تمامی ارکان حکمرانی در جامعه در این زمینه مسئولیت دارند. کاظمی با هشدار به افرادی که با کالاهای اساسی، ارزاق مردم و امنیت اقتصادی جامعه اخلال ایجاد می‌کنند، گفت: افرادی که از طریق احتکار، اخلال در عرضه، عدم عرضه کالا و اقداماتی از این دست برای مردم مشکل ایجاد می‌کنند، باید بدانند برخوردهای دستگاه قضایی و سازمان تعزیرات حکومتی در این زمینه جدی و قاطعانه خواهد بود. سخنگوی قوه قضاییه درباره اقدامات انجام‌شده در حوزه تراستی‌ها گفت: سازمان بازرسی کل کشور در این خصوص بررسی‌هایی انجام داده بود و مشخص شد تعداد زیادی از آنها کار خود را به درستی انجام داده‌اند و این‌گونه نیست که همه تراستی‌ها مرتکب تخلف شده باشند، اما برخی از آنها تخلف کرده‌اند و ارزهایی را که باید برمی‌گرداندند بازنگردانده‌اند. وی ادامه داد: حدود ۱۰ تا ۱۱ میلیارد یورو بدهی ارزی تراستی‌هاست و ۶۸ پرونده در حوزه تراستی‌ها در دادسرای تهران تشکیل شده است. برای ۴۹ نفر قرار جلب دادرسی صادر شده و ۱۹ فقره از این پرونده‌ها منتهی به صدور کیفرخواست و ارسال به دادگاه شده و ۲۵ فقره در مرحله اظهارنظر است. همچنین ۲۲ نفر بازداشت شده‌اند و برای ۱۹ نفر از متهمان نیز دستور جلب صادر شده و در مورد جلب سایر متهمان نیز اقدامات لازم انجام شده است. کاظمی با اشاره به شناسایی و توقیف اموال در این پرونده‌ها اظهار کرد: اموال زیادی شناسایی و توقیف شده است دو کارخانه که یکی ۲۹ هزار و ۳۷۵ متر مربع و دیگری یک هزار و ۷۶۵ متر مربع است، همچنین علاوه بر کارخانه‌ها املاکی به میزان یک میلیون و ۸۶۸ هزار متر مربع توقیف شده است. ۳۲۳ فقره سیم‌کارت تلفن همراه، چهار باب ویلا و ۸۶ واحد آپارتمان در شهرستان‌های مختلف و ۸۶ دستگاه خودروی لوکس نیز مجموعاً توقیف شده است.